

کارکرد حسابرسی داخلی به مثابه بخش مکمل راهبری سازمانی (ارائه یک چارچوب مفهومی)

دکتر سیروس کرراهی مقدم
عیسی حیدری

پرداخته می‌شود و سپس به عناصر کلیدی در نمودار مربوطه به آنها اشاره می‌گردد. و در نهایت نقش حسابرسی داخلی در راهبری سازمانی به صورت صریح بیان خواهد شد.



حسابرسی داخلی به مثابه بخش مکمل راهبری
سازمانی، دارای کارکردهای ویژه‌ای است

مقدمه

در مطالعه‌ای که توسط کمیته کدباری (۱۹۹۲) انجام شده، راهبری به مثابه نظامی که شرکت‌ها به موجب آن هدایت و کنترل می‌شوند، تعریف گردیده است. به طور مشابه هر مانسون و ریتنبرگ در تعاریف دیگری راهبری را به صورت ساختاری که از طریق آن تدوین اهداف، چگونگی دستیابی به آنها و نحوه پایش این اهداف، حاصل می‌شود، توصیف می‌نمایند. جهت درک

چکیده

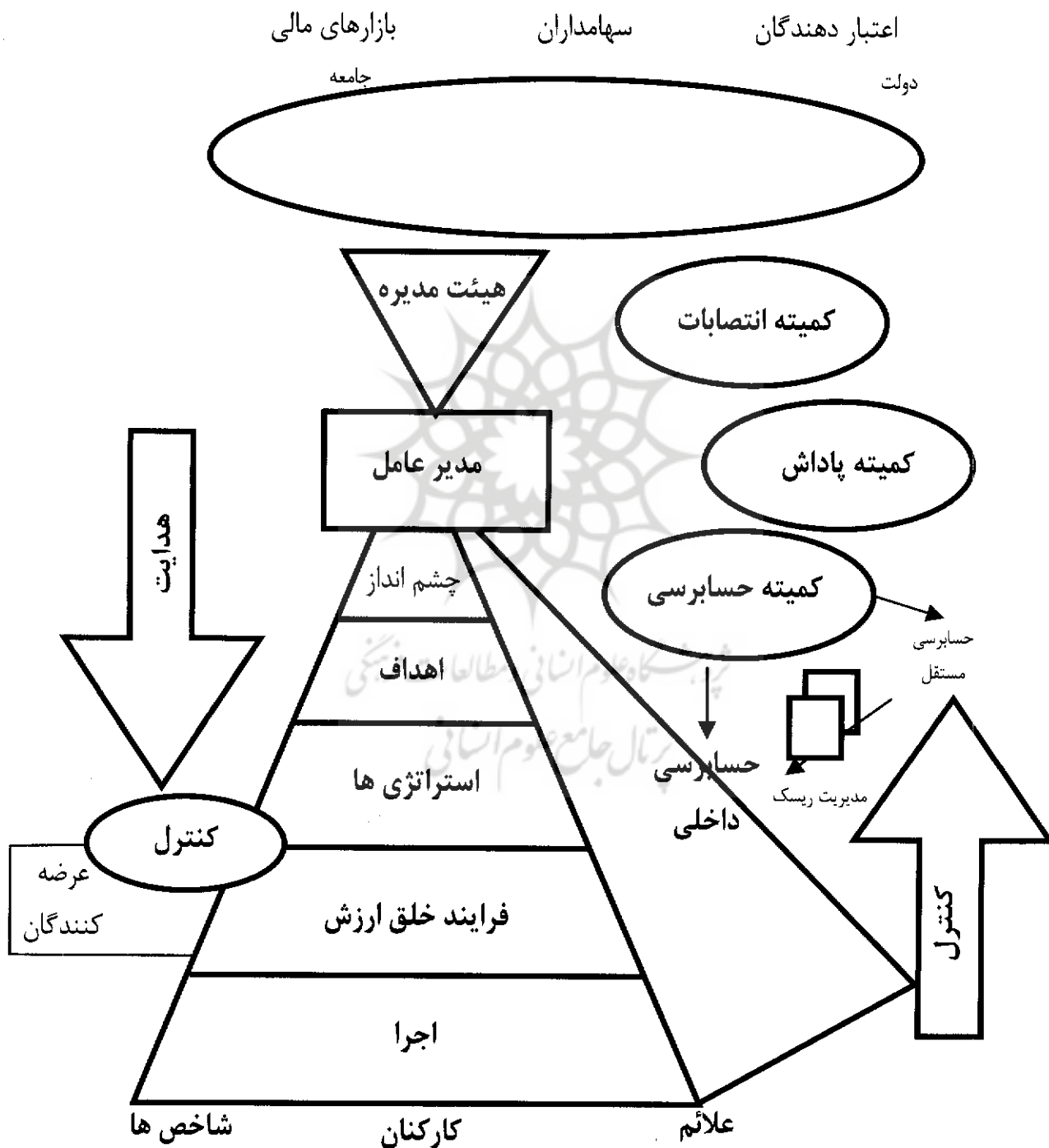
راهبری سازمانی به مثابه نظامی که شرکت‌ها به موجب آن هدایت و کنترل می‌شوند، تعریف می‌گردد. حسابرسی داخلی به مثابه بخش مکمل راهبری سازمانی، دارای کارکردهای ویژه‌ای است که در این نوشته به این موضوع پرداخته شده است. به

منظور توصیف دقیق‌تر این مطلب نیاز به یک چهارچوب مفهومی که به مثابه یک نقشه راه بتواند عناصر مختلف کلیدی که نقش و کارکرد حسابرسی داخلی در ارتباط با آنها را مشخص نماید، می‌باشد در این چهارچوب مفهومی ابتدا به اهمیت درک سازمان و اهداف آن به عنوان مهم‌ترین ارکان جهت‌گیری‌های مدیریت

نقشه راه، عناصر مختلف کلیدی را که در ارتباط بانقش حسابرسی داخلی در چارچوب راهبری سازمانی، باید مورد توجه قرار گیرند، مشخص می نماید.

بهتر جایگاه حرفه حسابرسی داخلی در فضای کنونی که سازمان های جهانی در آن به فعالیت مشغول می باشند، نیاز به یک چارچوب مفهومی است. این چارچوب مفهومی به مثابه یک

حسابرسی داخلی در چارچوب راهبری سازمانی



منبع: روودو بودن مان (۲۰۰۱، ۵۲۲)

چارچوب مفهومی

مأموریت تعریف گردیده)، مدیریت اهداف و استراتژی های مورد توافق، واقع گرایانه و قابل دستیابی را تدوین و اجراء می نماید. استراتژی های زمانی که رسالت های غائی را به سطح اهداف قابل سنجش و قابل دستیابی ترجمان می نمایند، نشان می دهند که سازمان چگونه قصد دارد به اهدافش نائل گردد.

عوامل متعددی بر عملیات یک سازمان اثر می گذارند و در نتیجه مشخص می کند که آیا اهداف سازمان در عمل، قابل تحقق هستند یا خیر، عواملی مانند: نوع عملیات، اندازه سازمان و نوع ساختار سازمانی (متمرکز یا غیر متمرکز)، مبانی ساختار سرمایه و خصوصی یا دولتی بودن شرکت و..... همه بر اهداف و قابلیت های سازمان اثر می گذارند. درک عمیق از رسالت های سازمان و سلسله مراتب اهداف برای کارکردهای حسابرسی داخلی موفقیت آمیز، یک پیش نیاز است. مطابق استاندارد ۲۰۱۰ «مدیر ارشد حسابرسی داخلی باید جهت تعیین اولویت های فعالیت حسابرسی داخلی طرح های مبتنی بر ریسک را «مطابق با اهداف سازمان» تدوین نماید».

سلسله مراتب عمودی اهداف سازمانی همانگونه که در نمودار نشان داده شده بیانگر این است که چگونه (در بهترین تطابق با انتظارات ذینفعان خود) «جهت گیری های راهبردی»، «نحوه تبدیل رسالت ها و اهداف به شاخص های عملیاتی» تعیین شده و مشخص می گردد چگونه این موارد به عنوان بخش های مهم راهبری سازمانی مبدل خواهند شد. تصمیماتی چون تغییر ساختار سازمانی و عملیات و توسعه مدیریت و روش های سازمانی بر راهبری سازمانی اثر می گذارند. به همین دلیل در کار و روابط سازمانی نیز مبانی شکل گیری کارکرد حسابرسی داخلی اثر بخش را تعیین می کند.

چنانچه در نمودار مشخص شده، بر مبنای دستورات راهبردی تدوین شده توسط مدیریت عالی و هیئت مدیره، رسالت ها و اهداف در قالب عملیات و فرایندها و شاخص های خلق ارزش سازمان معین می گردند. برای اطمینان از فرایند تبدیل از تدوین اهداف به اجراء، نیاز به درک جامعی از خطرات تهدید کننده سازمان یا واحدهای وابسته به آن می باشد. به علاوه ابزارهای کنترلی مختلف به همراه شاخص ها و علائمی که جهت اندازه گیری عملکرد و اصلاحات لازم و همچنین بازخورد به مدیریت عملیاتی، مدیریت ارشد و هیئت مدیره، نیز ضروری است.

گزارش های کنترول در مورد عملکرد فرایندها، رسیدگی های حسابرسان مستقل درباره حسابداری مالی بوده و وظیفه کمیته حسابرسی اطمینان بخشی به تهیه و گزارشگری اطلاعات داخلی و خارجی می باشد. سرانجام سازمان، سهامداران و ذینفعان خود را به وسیله اطلاعات مالی و عملیات جهت تصمیم گیری در آینده، تجهیز می نماید. در این مدار هدایت و کنترل، کارکرد حسابرسی داخلی نقشهای مهمی مانند راهبری سازمانی، ترکیب دیگر جنبه های راهبری و کنترل را بر عهده داشته و بعنوان مهمترین مکانیزم منحصر به فرداطمینان بخشی از راهبری سازمانی اثر بخش و مناسب، می باشد. در ادامه به توصیف این روابط با جزئیات بیشتر پرداخته خواهد شد، هر یک از روابط نشان داده شده در این نمودار می تواند موضوعی برای مطالعات و پژوهشهای آینده باشد. (راد، ۲۰۰۳، ۷۴).

درک سازمان و اهداف آن

بر اساس رویکرد راهبردی سازمان (که در چشم انداز و بیانیه

(سی.اواس.او، ۱۹۹۲).

پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که چگونه حسابرسان داخلی فرایندها و جنبه‌هایی که کنترل‌های سنتی تغییر می‌کنند را مورد رسیدگی قرار می‌دهند؟ خودارزیابی ریسک کنترل می‌تواند فراهم‌کننده اطمینان باشد که این امر با تاکید بیشتر بر خودارزیابی بخش مدیران و کارکنان (به‌مثابه صاحبان فرایند)، صورت می‌پذیرد.

مهندسی مجدد

مهندسی مجدد سازمان، بازاندیشی بنیادین و طراحی مجدد انقلابی فرایندهای سازمانی به منظور دستیابی به اصلاحات گسترده در شاخص‌های مهم اندازه‌گیری عملکرد همچون «بهای تمام‌شده»، «کیفیت و سرعت خدمات» به صورت امری فراگیر در آمده است (گاپتا، ۲۰۰۱). طراحی مجدد این فرایندهای سازمانی، تأثیرات مهمی بر کارکرد حسابرسی داخلی (که وظیفه پایش این تلاش‌های مدیریت تغییر و همچنین فراهم آوردن بازخور از انجام موفقیت‌آمیز آنها را بر عهده دارد) خواهد داشت.

نقش کارکرد حسابرسی داخلی

در محیط تجاری امروز، حسابرسی داخلی وظیفه حمایت حداکثر از مدیریت، کمیته حسابرسی، هیئت مدیره، حسابرسان مستقل و دیگر ذینفعان را بر عهده دارد. در صورت طراحی و اجرا مناسب، کارکرد حسابرسی می‌تواند نقش کلیدی در ارتقاء و حمایت از راهبری سازمانی اثر بخش، ایفاء نماید. این امر در نمودار به صورت چتری که ذینفعان را تحت پوشش قرار داده، نمایش داده شده است. استاندارد ۲۰۳۰ نیز فرایند راهبری سازمانی را به‌مثابه دستورالعمل‌های مورد استفاده توسط نمایندگان ذینفعان (به‌طور مثال سهام داران) که نظارت بر ریسک، فرایندهای کنترلی اجرایی مدیریت را بر عهده دارند، توصیه می‌نماید.

توسعه در فلسفه و اقدامات سازمانی و مدیریت

از سالهای متمادی و به‌طور مستمر، توسعه در فلسفه و اقدامات سازمانی، کاربردهای مهمی در کارکرد حسابرسی داخلی امروزه داشته است.

شبکه‌ای از روابط

پیشرفت‌های فن‌آوری ارتباطات جهانی، شرکت‌های چند ملیتی امروزه را مبدل به شبکه‌های ارتباطی مجازی نموده است. سازمان‌های امروز این به‌طور فزاینده‌ای شبکه‌ای شده و فعالیت‌های تجاری هیچ مرزی نمی‌شناسند.

در حقیقت به نظر می‌رسد سازمان‌ها در یک شبکه پیچیده از روابط قرار دارند و در نتیجه باید در برابر ذینفعان زیادی پاسخگو باشند.

برون سپاری وظایف غیر اصلی

سازمان‌ها بر آنچه به‌عنوان قابلیت‌های اصلی سازمان تلقی می‌شوند، تمرکز نموده و تمایل دارند وظایف سازمانی غیر اصلی خود را به دیگران واگذار نمایند. (ریتنبرگ و گاوالسکی، ۱۹۹۷، ۱).

در این صورت وظیفه حسابرسی داخلی کمتر با فرایندهای داخلی سازمان مربوط بوده و بیشتر به این موضوع توجه می‌شود که آیا قرار دادهای برون سپاری، سطح مورد انتظار کیفیت خدمات، انجام به‌هنگام و صرفه اقتصادی لازم را به همراه خواهند داشت یا خیر؟

کنترل‌های نرم

در بسیاری از سازمان‌ها به جای کنترل ساختار، تاکید بر کنترل ارزش‌های سازمانی، اخلاقیات و فرهنگ بسوده است

نگرش فرایند محور خلق ارزش و مدیریت ریسک

یکی از عناصر کلیدی تعریف نوین حسابرسی داخلی بر «طراحی ارزش افزوده و بهبود عملیات سازمان» تاکید دارد. (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۰۲).

پیچیدگی در فعالیتهای سازمانی و محیط تجاری باعث گردیده از روابط موجود بین این دو غفلت شده و در نتیجه باعث ناکامی سازمان ها گردد.

در رویکرد مدیریت فرایند محور، کل زنجیره ارزش (پورتر، ۱۹۸۵) یا شبکه ارزش یا کارگاه ارزش (استابل و فلدستاد، ۲۰۰۰) باهم ترکیب می شود و بدین صورت می توان از موفقیت و رشد سازمان اطمینان حاصل نمود. یکی از مهمترین اصول این رویکرد، افزایش رضایت مشتریان (داخلی و خارجی) است. فرایند خلق ارزش در نمودار به صورت افقی، مشتریان و عرضه کنندگان را بهم متصل می نماید. به منظور ارائه حداکثر ارزش افزوده خدمات، کارکرد حسابرسی داخلی نیازمند یک رویکرد فرایند محور است. (روث، ۲۰۰۲).

در واقع دانش عمیق حسابرسان داخلی از سازمان به خصوص آشنایی با خلق ارزش باعث می شود آنان مشاوران ایده آلی جهت بهبود فرایندهای سازمان باشند. بهبود فرایندهای سازمان تاثیر مثبتی بر عرضه کنندگان و مشتریان خواهد داشت (تاثیراتی چون کاهش هزینه، کاهش زمان های تولید، بهبود کیفیت محصولات). بنابراین کارکرد حسابرسی داخلی قادرست همچنین برای بخشهای بیرونی نیز ارزش افزوده داشته باشد.

با ارزیابی اطلاعات در کل مسیر فرایند خلق ارزش، کارکرد حسابرسی داخلی (نسبت به ارزیابی اطلاعات به صورت منفک) باعث ایجاد اطلاعات قابل اتکا و مربوط خواهد شد. این امر البته بهبود روابط و همکاری بین حسابرسان داخلی و مستقل و راهبری سازمانی اثر بخش تر را نیز موجب می شود.

رویکرد علمی خلق ارزش باعث می شود سازمان کلیه خطرات مهم و قابل انتظار را به طور اثربخش مدیریت نماید. ریسک را می توان هم در سطح کلان (مدیریت ریسک سطح موسسه) یا در سطح خرد (سطح واحد) مورد توجه قرار داد. در نمودار، مدیریت ریسک در قسمت راست هرم نشان داده شده است و می تواند به صورت داخلی یا خارجی انجام گیرد، اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که مسئولیت اجرا این امر با مدیران عالی و هیئت مدیره است. به همان اندازه که در کاهداف سازمان بسیار مهم است، برای حسابرسان داخلی درک خطراتی که دستیابی به اهداف و مقاصد سازمان را تهدید می نماید و همچنین قصور در شناسایی و کشف فرصت های جدید برای سازمان نیز اهمیت فراوانی دارد.

بنابر این حسابرسی داخلی به کارگیری رویکرد فرایند محور جامع را جهت ارزیابی خطرات از بالا به پایین و بالعکس، مورد توجه قرار می دهد. جدا از درک خطرات، کارکرد حسابرسی داخلی به ارزیابی فرایندهای مدیریت ریسک به منظور تعیین اینکه آیا ساختار فرایندهای نظارت و وظایف جهت اداره عوامل ریسک شناسایی شده، مناسب است یا خیر؟ می پردازد. چنانچه استاندارد ۲۰۱۰ بیان می کند:

طرح حسابرسی داخلی باید بر مبنای ارزیابی ریسک (حداقل سالانه) انجام شود....

راهبری سازمانی

راهبری سازمانی می تواند در بستر نیازها و روابط ذینفعان یک سازمان تعریف شود. استانداردهای انجمن حسابرسان داخلی، فرایندهای راهبری را به مثابه روشهای مورد استفاده توسط نمایندگان ذینفعان (به طور مثال سهامداران و غیره) که فراهم کننده نظارت بر ریسک و فرایندهای کنترلی اجرا شده بوسیله مدیریت می باشند، تعریف می نماید. راهبری سازمانی به طور

تعریف راهبردهای کلان به همراه سرپرستی فعالیتهای عملیاتی را بر عهده دارد. هیئت مدیره باید از افرادی با صلاحیت‌های متنوع و مناسب تشکیل شده تا قادر باشد، تصمیمات اثر بخش را اتخاذ نماید. هیئت مدیره عموماً از کمیته‌های فرعی تشکیل می‌شود تا از دانش خاص، تجربه و خبرگی اعضا خود استفاده نماید. کمیته‌هایی چون کمیته انتصابات، کمیته پاداش (یا جبران خدمت) و همچنین کمیته حسابرسی، که در زمینه حسابرسی داخلی بیشترین اهمیت را دارا می‌باشند. کمیته حسابرسی به عنوان هماهنگ کننده میان حسابرسی مستقل (حسابرسی مالی) و حسابرسی داخلی و همچنین اطمینان بخشی (به طور مثال مدیریت ریسک، رعایت، آئین رفتار، موارد قانونی و غیره) است. ویژگی جالب توجه در بعضی سازمان‌ها این است که کمیته حسابرسی مسئولیت نظارت گسترده‌تر جنبه‌های راهبردی عملیاتی و مالی را بر عهده دارد. به منظور تحقق نقش نمایندگی منافع سهام داران، هیئت مدیره از طریق وظایف سازمانی مختلف (همچون مدیریت ریسک، رعایت سازمانی، کنترل سازمانی و امنیت سازمانی) که وجود راهبردی مناسب و موثر را ممکن می‌سازد، مورد حمایت قرار می‌گیرد.

ذینفعان بیرونی

یک سازمان با گروه‌های مختلفی از ذینفعان بیرونی مانند سهام داران، بازارهای مالی، مشتریان، عرضه کنندگان، قانونگذاران، دولت، رقبا و جامعه در سطح وسیعتر، مواجه است. این ذینفعان به طور مستقیم دخالتی در فعالیت‌های تجاری شرکت ندارند اما از فعالیتهای سازمان منتفع می‌گردند. علاوه بر آن، این گروه‌ها از طریق تصمیم‌گیری‌های خود بر سازمان اثر می‌گذارند (برای مثال سهامداران برارز یابی بازار شرکت‌ها اثر گذارده بوده یا اعتبار دهندگان مالی، اعتبار خود را عرضه یا محدود می‌سازند).

بنیادی در ده سال اخیر به علت ناکامی‌های تجاری کلان (که تعدادی از آنها به دلیل تقلب عمده مدیریت بوده است) تغییرات زیادی داشته است. زیان‌های عمده باعث توجه و وقت بیشتر سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان و دیگر نمایندگان آنها گردیده است. در این زمینه، آنچه مهم تلقی می‌گردد، رسیدگی چگونگی دستیابی سازمان‌ها به اهداف و نحوه اجرای عملیات است.

کارکردهای حسابرسی داخلی می‌تواند نقش‌های مهمی در ارائه اطمینان بخشی و بنابر این ارتقاء راهبردی سازمانی ایفاء نماید.

ذینفعان داخلی

هیئت مدیره، مدیریت عالی، مدیریت عملیاتی و کارکنان به عنوان ذینفعان عمده، مسئولیت مستقیمی در مورد فعالیت‌های سازمانی دارند. سهام داران و سرمایه‌گذاران، مسئولیت هیئت مدیره و مدیریت عالی را در مورد اداره و جوهر سرمایه گذاری شده مشخص می‌نمایند. هدایت و کنترل ابزارهای مهم مدیریت عالی جهت تحقق این مسئولیت‌ها می‌باشد.

مسئولیت‌های مدیران میانی عمدتاً در سطح عملیاتی تعریف می‌گردد. مدیریت میانی استراتژیها و اهداف تعریف شده توسط مدیریت عالی را (به مثابه اهداف سازمان) باز تعریف می‌نماید. این استراتژی‌ها و اهداف در قالب شاخص‌های عملکردی و علائم سیستمی، تجزیه شده‌اند. این شاخص‌های عملکردی و علائم سیستمی کلیدی می‌توانند به منظور اطمینان از کارکرد سیستم‌ها و فرایندها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند و سرانجام به این پرسش پاسخ دهند که آیا وظایف مطلوب سازمان تحقق یافته‌اند یا خیر؟ کارکنان فعالیتهای عملیاتی را انجام می‌دهند.

بنابر این با وجود سطح بالاتر دانش کارکنان، توانمندسازی، افزایش اتوماسیون یا نظارت‌های عملیاتی، مدیریت می‌تواند به طور فزاینده‌ای فعالیت‌های کنترلی را تفویض نماید.

هیئت مدیره به عنوان یک گروه خاص از ذینفعان داخلی عمدتاً

هامتمرکز دانسته، از سوی دیگر صنایع تولید و بخش حمل و نقل رویکرد حسابرسی عملیاتی، مهندسی مجدد و اصلاح فرایند در مدیریت زنجیره عرضه، مدیریت روابط مشتری، تولید، بازاریابی و حسابداری و غیره را مدنظر دارند. گروه سوم که به بخش عمومی مربوط است بر ارائه خدمت به مردم در کل و هر یک از شهر و ندان متمرکز هستند. به طور آشکار بخشهای مختلف خواسته های متفاوت برای اطمینان بخشی و در نتیجه به خدمات حسابرسی داخلی گوناگونی نیاز دارند. بسته به این نیازها و خواسته های سازمان و کاربران آن، کارکرد حسابرسی داخلی نیز می تواند نقش های مختلفی را عهده دار شود.

نتیجه گیری

در شرایط کنونی برای درک جایگاه حرفه حسابرسی داخلی نیاز به یک چهارچوب مفهومی برای نمایش عناصر مختلف کلیدی که در این ارتباط نقش آفرین می باشند، بیش از پیش احساس می گردد. به منظور تجزیه و تحلیل آنچه کارکرد حسابرسی داخلی را در یک سازمان شکل می دهد، مهم آن است که انتظارات و نیازهای عناصر داخلی و بیرونی تأثیرگذار بر فرآیند راهبری سازمانی، شناسایی گردد. با توجه به تنوع این انتظارات و نیازها، حسابرسی داخلی باید نقش های مختلفی را عهده دار گردد. که در این نوشته سعی گردید از طریق ارائه یک چهارچوب مفهومی این مهم صورت پذیرد.

پی نوشت

۱) دکتری مدیریت و عضویت هیئت علمی دانشگاه

۲) کارشناس ارشد حسابداری و عضو هیئت علمی دانشگاه

3) cadburycommittee

4) hermanson&Rittenberg

5) Ruud

6) Rittenberg&Covaleski

اطمینان بخشی در مورد کارکردهای سازمان به تصمیم گیرندگان بیرونی از مهم ترین موضوعات است و چنانچه توضیح داده شد حسابرسی داخلی می تواند به طور موثر در بهبود راهبری در چند جنبه مختلف یاریگر باشد.

در مورد سرمایه گذاران، موضوع اطمینان از قابلیت حصول سرمایه و نقدینگی و همچنین حفظ بهای تمام شده سرمایه در سطح منطقی است. با اطمینان بخشی از اطلاعات و فرایندهای عملیاتی، حسابرسی داخلی می تواند در تجزیه و تحلیل نیازهای سرمایه و نقدینگی و همچنین برای اعتبار دهندگان و سرمایه گذاران، اطلاعات اطمینان بخشی در مورد پایداری سازمان ارائه نماید. قابل انتظار است که هزینه سرمایه در شرکتی با سطح بالای اطمینان در مقایسه با یک شرکت با سطح بالاتر از عدم اطمینان و ریسک، پایین تر باشد.

برای عرضه کنندگان، تاکیدات مهم آن است که به عنوان یک شریک جالب توجه می توانند در شرایط مطلوب، مورد معامله قرار گیرند، در مورد مشتریان، منافع اصلی در تحویل محصولات و ارائه خدمات به صورت اقتصادی و به هنگام که نیازهای آنها را رضاء نماید، است. ذینفعان بیرونی دیگر همانند جامعه در کل و دولت دارای منافی هستند.

با وضع قوانین، فرایندهای قضایی و..... دولت چندین نقش مهم را در مورد سازمان ها ایفاء می نماید.

نقش کارکرد حسابرسی داخلی در ارتقاء راهبری اثر بخش به منظور تجزیه و تحلیل آنچه کارکرد حسابرسی داخلی می تواند عرضه نماید، مهم آن است که نیازها و انتظارات تصمیم گیرندگان داخلی و بیرونی از حسابرسی داخلی درک شود. البته، صنایع مختلف نیازهای متغیری برای خدمات اطمینان بخشی دارند. برای مثال، بانکها و شرکتهای بیمه نوعاً اهداف حسابرسی داخلی را بیشتر بر اطمینان بخشی از جریان وجه نقد و حفظ دارایی

3-Gupta,P.P.,InternalAuditReengineering: Survey,Model,andBestPractices(Altamonte springs,FL:theInstituteofInternalAuditors researchfoundation,2001).

4-Rittenberg,L.E.,andM.covaleski,theoutsourcingDilemma:What'sbestforinternal Auditing(Altamontespring,Fl:theinstituteof internalAuditorsresearchfoundation,1997).

5-Roth,J.,addingvalue:sevenroadstosuccess (Altamontesprings:theinstituteofinternal Auditorsresearchfoundations,2002).

6-Ruud,F.,theinternalAuditfunction: AnintegralpartoforganizationalGovernance,the instituteofInternalAuditorsresearchfoundations, 2003).

7-Ruud,F,andJ.Bodenmann,corporate Governanceandinternerevision.In:Der schweizerTreuhand,6/7,2001,S.521-534.

8-Stabell,C,andofjeldstad,"onValuechains, valuenetworks,andvalueshops,thestrategic

7)Soft

8)C.O.S.O

9)Gupta

10)IIA

11)Porter

12)Stabell&Fjeldstad

13)Roth

منابع

1-Cadburycommittee,Reportand RecommendationsoftheRibboncommitteeon improvingtheeffectivenessofcorporateAudit committees(NewYork,NY:NewYorkstock exchangeandnationalassociationofsecurities Dealers,1999).

2-Coso,reportofthecommitteeofsporing organizationofthetreadwaycommission: Internalcontrol Integratedframework(New York:AmericanInstituteofcertifiedpublic Accountants,1992).

اطلاعیه مهم پژوهشگاه اطلاعات فریبگی

افرادی که برای شرکت در کنفرانس بین المللی حسابداری در تاریخ ۱۴ و ۱۵ آذر ۸۷ ثبت نام کرده اند لطفاً با دبیرخانه کنفرانس برای تأیید ثبت نام خود تماس حاصل فرمایند و چنانچه تا اول آذر ۸۷ کارت دعوت به شرکت در کنفرانس بین المللی را دریافت نکردند حتماً با دبیرخانه کنفرانس تماس حاصل فرمایند.

تلفن دبیرخانه کنفرانس: ۸۸۰۳۸۴۱۸-۸۸۰۵۱۳۴۱